





دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکز

پایان نامه‌ای برای دریافت درجه کارشناسی ارشد «M.A»

رشته: علوم سیاسی

گرایش: روابط بین الملل

موضوع:

تأثیر وابستگی‌های بازیگران اصلی سازمان همکاری شانگهای در عدم

پیشبرد اهداف این سازمان

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر کابک خبیری

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر اردشیر سنایی

نام دانشجو:

حامد قیاسی

تابستان ۱۳۹۲

سپاسگزاری:

سپاس و ستایش خدای را که من چون اویی دارم و او چون خودی ندارد.

حال که با لطف خداوند موفق به تنظیم و تدوین این پایان‌نامه شده‌ام، وظیفه‌ی خود می‌دانم که به همه عزیزانی را که اینجانب را طی انجام این پژوهش مساعدت و یاری نموده‌اند و مورد لطف و عنایت خویش قرار داده‌اند، صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم.

از استادراهنما جناب آقای دکتر کابک خبیری که با راهنمایی‌های ارزشمند و صبورانه خویش، راهگشای این پژوهش بوده‌اند، صمیمانه تشکر و سپاسگزاری می‌نمایم.

از همفکری و مساعدت استاد مشاور جناب آقای دکتر اردشیر سنایی تشکر و قدردانی می‌نمایم.

از همکاری و مساعدت کلیه کسانی مرا در امر تهیه منابع مورد نیاز این تحقیق یاری نموده‌اند، تشکر و قدردانی می‌نمایم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
بخش اول: کلیات	
۳	طرح مسئله
۱۲	اهمیت موضوع
۱۳	سئوال اصلی
۱۳	فرضیه
بخش دوم: مطالعات نظری	
۱۵	نظریات همگرایی منطقه ای
۱۷	کارکردگرایی
۱۸	پیش فرضهای کارکردگرایی
۱۹	اصول انتقادی مرتون
۲۰	انتقادات
۲۱	انواع کارکردگرایی
۲۱	ویژگیهای نظریه پارسونز
۲۲	نظریه عمومی کنش ویا نظریه ی نظام
۲۳	چهار نوع نظام کنش پارسونز:
۲۴	انتقادهای روش شناختی و منطقی
۲۶	مفهوم امنیت
۲۷	امنیت منطقه ای
۲۷	مبانی نظری سازمان همکاری های شانگهای
۲۸	زمینه های همکاری سازمان همکاری شانگهای
۲۹	اعضای سازمان همکاری شانگهای و نحوه عضویت در آن
۳۰	ساختار نهادی سازمان همکاری شانگهای
۳۱	نتیجه گیری
بخش سوم: سازمان همکاری های شانگهای در عمل	
۴۲	فراز و فرودهای معادلات منطقه ای و سازمان همکاری شانگهای

۴۴.....	رویکردهای مختلف به سازمان همکاری شانگها.....
۴۶.....	موانع و ضعف های شانگهای جهت تشکیل بلوکی از قدرت.....
۵۳.....	آینده سازمان همکاری شانگهای در نظام بین الملل.....
۵۵.....	افزایش عامل نظامی.....
۵۵.....	منافع ملی و ناکافی بودن نظرات مشترک.....
۵۵.....	عرصه های منازعات.....
۵۶.....	چالشها و موانع سازمان جهت تبدیل شدن به یک قطب تأثیر گذار در روابط بین الملل:.....
۶۵.....	فرصت ها و چالش های پیش روی سازمان.....

بخش چهارم: اهداف استراتژیک چین و روسیه

۶۸.....	روابط چین و روسیه: مشارکت استراتژیک.....
۷۰.....	اهداف و منافع جمهوری خلق چین.....
۷۲.....	استراتژی کلان.....
۷۳.....	اهداف و منافع سیاسی.....
۷۴.....	اهداف و منافع امنیتی - دفاعی.....
۷۵.....	چین و ناتو.....
۷۶.....	منافع چین در آسیای مرکزی.....
۷۹.....	اهداف و منافع اقتصادی.....
۸۲.....	چین و سازمان همکاری شانگهای: شکل دهی و تقویت.....
۸۸.....	فدراسیون روسیه.....
۹۸.....	اهداف و منافع اقتصادی.....
۱۰۳.....	نتیجه گیری.....
۱۰۵.....	فهرست منابع.....

چکیده

سازمان همکاری شانگهای نیز که نهایتاً در پی احیای ابرقدرتی شرق و تحقق هژمونی مرکب جهانی و تشکیل بلوکی از قدرت است از جمله بازیگرانی است که قابلیت مطرح شدن به مثابه یک قطب قدرت در نظام بین الملل را داراست. اما با توجه به انگیزه ها و قابلیت ها و نیز موانع و ضعف های شانگهای در این مسیر و همچنین با در نظر گرفتن واقعیت وضعیت وابستگی و تبعیت اعضاء این سازمان از غرب؛ در اکثر معادلات بین المللی، این سازمان نمی تواند اهرم مناسبی علیه تحرکات غربی به حساب آید. بنابراین سازمان همکاری شانگهای در آینده نزدیک ظرفیت ایجاد قطبی از قدرت را خواهد داشت که توان همپایگی اقتصادی - استراتژیکی لازم با قدرت هژمون ایالات متحده را دارا باشد. از این رو اگر مفهوم چند جانبه گرایی را به معنای جهان چند قطبی در نظر بگیریم، این سازمان طی آینده ای قابل پیش بینی موفقیتی را در روند چند جانبه گرایی در نظام بین الملل نصیب خود نخواهد کرد. مگر آنکه اصطلاح چند جانبه گرایی را جدا از معنای چند قطبی بدانیم که در این صورت باید گفت چند جانبه گرایی نیز به طور یک جانبه در دست ایالات متحده خواهد بود.

بخش اول

کلیات

طرح مسئله

سازمان همکاری شانگهای^۱ سازمانی میان‌دولتی است که برای همکاری‌های چندجانبه امنیتی تشکیل شده است. این سازمان در سال ۲۰۰۱ توسط رهبران چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان پایه‌گذاری شد. سازمان همکاری شانگهای در حقیقت ترکیب جدید سازمان «شانگهای ۵» است که در سال ۱۹۹۶ تأسیس شده بود، ولی نام آن پس از عضویت ازبکستان به «سازمان همکاری شانگهای» تغییر داده شد.

علاوه بر اعضای اصلی، ابتدا مغولستان در سال ۲۰۰۴ و یک سال بعد ایران، پاکستان، و هند به عنوان عضو ناظر به سازمان ملحق شدند.

نقش این سازمان از زمان تأسیس آن تاکنون در منطقه افزایش یافته است. این سازمان، بر خلاف سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و پیمان ورشو سابق، هنوز یک معاهده دفاعی چندجانبه به شمار نمی‌رود.^۲ سازمان همکاری شانگهای از دل رقابت قدرت‌های بزرگ بر سر منطقه ژئوپلیتیک آسیای میانه ظهور کرد. هدف اولیه تأسیس این سازمان، غیرنظامی کردن مرز بین چین و شوروی بود.

گروه «شانگهای ۵» در ۶ اردیبهشت ۱۳۶۵ برابر ۲۶ آوریل سال ۱۹۸۶ با امضاء توافقنامه‌ای به منظور «تعمیق اعتماد نظامی در مناطق مرزی» توسط رهبران وقت کشورهای قزاقستان، جمهوری خلق چین، قرقیزستان، روسیه و تاجیکستان به وجود آمد. این کشورها مجدداً در تاریخ در ۲۴ آوریل سال ۱۹۹۷ توافقنامه‌ای به منظور «کاهش نیروهای نظامی در مناطق مرزی» در مسکو به امضاء رساندند. نشست‌های کشورهای عضو شانگهای ۵ در سال ۱۹۹۸ در شهر آلماتی (قزاقستان)، در سال ۱۹۹۹ در بیشکک (قرقیزستان)، و در سال ۲۰۰۰ در شهر دوشنبه (تاجیکستان) برگزار شد.

نشست این گروه در سال ۲۰۰۱ در شهر شانگهای در چین برگزار شد. در این نشست نخست کشور ازبکستان به عنوان عضو جدید پذیرفته شد که عملاً نام گروه را به «شانگهای ۶» تغییر داد. سپس در ۱۵ ژوئن سال ۲۰۰۱، سران کشورهای عضو در نشستی ضمن‌قدردانی از عملکرد گروه شانگهای ۵، تأسیس «سازمان همکاری شانگهای» را به هدف افزایش سطح همکاری‌ها اعلام کردند.

سران کشورهای عضو در ۱۷ خرداد ۱۳۸۱ (ژوئن ۲۰۰۲) در شهر سن پترزبورگ کشور روسیه گرد آمدند تا جزئیات اساسنامه سازمان را - شامل اهداف، ساختار و راهکارها - به بحث و بررسی بگذارند. پس از این توافقنامه موجودیت سازمان عملاً از نظر حقوق بین‌المللی رسمیت پیدا کرد.

^۱ Shanghai Cooperation Organization(SCO)

^۲ انوری، حمیدرضا و رحمانی موحد، مرتضی؛ سازمان همکاری شانگهای چشم‌اندازی به سوی جهان چند قطبی، تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۸۸، چاپ دوم، ص ۹-۱۰

فعالیت‌ها

همکاری در مسایل امنیتی

مسایل امنیتی در آسیای میانه به ویژه تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری عموماً دغدغه اصلی این سازمان محسوب می‌شود. «ساختار منطقه‌ای ضدتروریسم» سازمان همکاری شانگهای در نشست ژوئن ۲۰۰۴ در شهر تاشکند در ازبکستان تهیه و تصویب شد. این سازمان در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که بر اساس مفاد توافقنامه منطقه‌ای، با قاچاق مواد مخدر در طول مرزهای کشورهای عضو مبارزه خواهد کرد.

گریگوری لگنیتف در آوریل ۲۰۰۶ اعلام کرد که پیمان همکاری شانگهای قصد ندارد به سازمانی نظامی (مشابه پیمان ناتو یا پیمان ورشوی سابق) تبدیل شود. اما وی اذعان کرد که برای مقابله با تهدیدهای روزافزون تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری ممکن است نیاز به استفاده از نیروهای ارتش کشورهای عضو بوجود آید. در همین راستا کشورهای عضو چندین مانور مشترک نظامی به اجرا گذاشته‌اند. اولین مانور نظامی در سال ۲۰۰۳ طی دو فاز در قزاقستان و چین به اجرا درآمد.

در ماه اوت سال ۲۰۰۵ مانور نظامی بزرگی با شرکت چین و روسیه با نام «مأموریت صلح ۲۰۰۵» به اجرا درآمد. این اولین مانور نظامی مشترک روسیه و چین محسوب می‌شود. در پی موفقیت این مانور، مقامات روسی اظهار علاقه کرده‌اند که کشور هند در مانورهای مشترک بعدی حضور داشته باشد و سازمان همکاری شانگهای نقش نظامی نیز در صحنه بین‌المللی ایفا کند.

در پی توافق وزیران دفاع کشورهای عضو پیمان در آوریل ۲۰۰۶، جدیدترین مانور نظامی کشورهای عضو در سال ۲۰۰۷ با شرکت ۴۰۰۰ سرباز ارتش چین در منطقه چلیابینسک در کشور روسیه در اطراف رشته کوه‌های اورال و مرز جغرافیایی آسیا و اروپا برگزار شد.

همکاری اقتصادی

افزایش سطح بازرگانی

چارچوب توافقنامه همکاری اقتصادی کشورهای عضو پیمان نخستین بار در نشست مورخ ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۳ تهیه و به امضاء رسید. در این نشست رئیس دولت چین پیشنهاد کرد که برنامه بلندمدتی برای تشکیل منطقه آزاد تجاری در سازمان تهیه شود. وی در این پیشنهاد ضمناً چندین راهکار کوتاه مدت برای افزایش سطح بازرگانی در میان کشورهای عضو ارائه داد. یکسال پس از این پیشنهاد، در ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۴، سندی شامل یکصد برنامه مشخص برای افزایش سطح بازرگانی میان کشورهای عضو به امضاء رسید.

در نشست مسکو مورخ ۲۵ اکتبر ۲۰۰۵، دبیر کل سازمان اعلام کرد که پروژه‌های مشترک سازمان در زمینه انرژی دارای اولویت بالا هستند. این پروژه‌ها شامل کشف، استخراج و بهره‌برداری از حوزه‌های نفت و گاز، و استفاده مشترک اعضاء از منابع آب شیرین می‌باشند.

همکاری‌های بانکی

دستاورد مهم دیگر این نشست توافق برای تشکیل شورای مشترک بانکی بین کشورهای عضو سازمان بود. هدف از تشکیل این شورای مشترک بانکی تسهیل در فراهم نمودن سرمایه مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های مشترک سازمان عنوان شده است. در پی این توافق، نخستین گردهمایی شورای مشترک بانکی سازمان همکاری شانگهای در ۳۰ نوامبر ۲۰۰۶ در پکن پایتخت چین برگزار شد.^۱

باشگاه مشترک انرژی

متعاقب آن، کنفرانس بین‌المللی «سازمان همکاری شانگهای: دستاوردها و دیدگاهها» (SCO: Results and Perspectives) در شهر آلماتی پایتخت قزاقستان برگزار شد. در این کنفرانس، نماینده وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که روسیه فکر بنیان‌گذاران تشکیلاتی بین‌المللی با نام «باشگاه انرژی» را در سر می‌پروراند. دولت روسیه مجدداً در نشست سازمان در نوامبر ۲۰۰۷ در مسکو بر عزم خود برای تشکیل این باشگاه انرژی تأکید نهاد.^۲

همکاری‌های فرهنگی

همکاری‌های فرهنگی بخشی از چارچوب فعالیت سازمان همکاری شانگهای است. وزیران فرهنگ کشورهای عضو سازمان برای نخستین بار در ۱۲ آوریل ۲۰۰۲ سند همکاری مشترک فرهنگی را در نشست پکن امضاء کردند. برای سرعت بخشیدن به همکاری‌های مشترک فرهنگی، اعضای سازمان در سال ۲۰۰۵ فستیوال و نمایشگاه مشترکی در شهر آستانه در کشور قزاقستان برگزار کردند.

کشورهای عضو و ناظر سازمان همکاری شانگهای روی هم نه تنها بزرگ‌ترین توان اقتصادی، نظامی، هسته‌ای و فضایی جهان را دارا هستند، بلکه بیشترین تولیدکننده و مصرف‌کننده انرژی در جهان نیز می‌باشند. مساحت کشورهای عضو (اصلی و ناظر) این سازمان روی هم بیش از ۲۵٫۱ میلیون کیلومتر مربع یا یک چهارم سطح خشکی‌های زمین است.

اساس‌نامه سازمان همکاری شانگهای بر شفافیت عملکرد و بی‌طرفی نظامی آن تأکید می‌کند. علیرغم این موضوع، شکی نیست که سازمان همکاری شانگهای نقش موازنه دهنده‌ای در صحنه بین‌المللی خصوصاً در

^۱ متقی، ابراهیم؛ «ماه‌نامه - همشهری دیپلماتیک»: ۱۳۸۴ - شماره ۸۳

^۲ لوکین، آکساندر ولادیمیروویچ؛ بولتن ویژه سازمان همکاری شانگهای و دورنمای توسعه، تیوا کامران، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۴، چاپ اول، ص ۲۸.

مقابل پیمان ناتو ایفا می‌نماید. برای مثال، ایالات متحده آمریکا درخواستی جهت عضویت به عنوان عضو ناظر به سازمان همکاری شانگهای ارائه کرده بود، اما این درخواست در سال ۲۰۰۵ از طرف سازمان رد شد. سازمان همکاری شانگهای از آمریکا خواسته‌است که پایگاهها و نیروهای نظامی خود را از خاک تمام کشورهای عضو خارج سازد. پس از این درخواست، دولت قرقیزستان رسماً از آمریکا درخواست کرد که برنامه خروج نیروهای آمریکایی و تعطیلی پایگاه هوایی نظامی ۲K را از این کشور را سریعاً تهیه و اعلان کند.

سازمان همکاری شانگهای در آوریل ۱۹۹۶ تحت عنوان پیمان شانگهای پنج بر مبنای توافقات اولیه‌ای شکل گرفت که در سال ۱۹۹۰ میان اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری خلق چین برای کاهش تأسیسات و نیروهای نظامی در نواحی مرزی دو کشور و اتخاذ اقدامات اعتمادسازی، منعقد شده بود. در سال ۱۹۹۶ پنج کشور روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان در شهر شانگهای پیمانی را به منظور تقویت اعتماد نظامی در نواحی مرزی خود به امضاء رساندند. این پیمان در سال ۲۰۰۱ با پیوستن ازبکستان و سپس مغولستان به سازمان همکاری شانگهای تغییر نام داد.^۱

در آغاز تصور بر این بود که این پیمان کوششی از جانب روسیه و چین برای مقابله با موج گسترش ناتو به شرق بوده است، اما وقوع حادثه یازدهم سپتامبر و برجسته شدن تهدید طالبانیسم و القاعده جهت‌گیری‌های ضد تروریستی و ضد افراطی‌گری را در این سازمان تقویت و تشدید کرد. تشکیل یک مرکز ضد تروریستی در تاشکند، پایتخت ازبکستان و تصویب چندین سند برای مقابله با این پدیده نتیجه تشدید نگرانی کشورهای عضو سازمان نسبت به پدیده تروریسم و افراط‌گرایی بوده است.

با وجود اعلام مواضع رسمی در مقاطع گوناگون، مهمترین ویژگی سازمان همکاری شانگهای از آغاز شکل‌گیری تاکنون ابهام و عدم شفافیت در اهداف و جهت‌گیری‌های دراز مدت و کلان سازمان از نقطه نظر کشورهای تشکیل دهنده آن بوده است. غالباً سازمان‌های امنیتی بر مبنای تعریف یک تهدید مشترک شکل گرفته و تداوم پیدا می‌کنند. اگر این موضوع به عنوان یک معیار پذیرفته شود، در این صورت در رابطه با سازمان همکاری شانگهای از سه دسته از نگرانی‌ها می‌توان سخن گفت:

اول؛ نگرانی کشورهای عضو از تشدید اختلافات مرزی و تحرکات نظامی یکدیگر: این موضوع که در واقع علت اولیه شکل‌گیری سازمان همکاری شانگهای به شمار می‌رفت با انعقاد مجموعه‌ای از توافقنامه‌های دو جانبه و چند جانبه تا حدود زیادی مرتفع شده و به عبارتی هدف اولیه شکل‌گیری سازمان محقق گردیده است. نکته حائز اهمیت در این مورد این است که از پنج عضو اولیه سازمان چهار عضو، یعنی روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اختلافات اندکی میان خود داشتند (ضمن اینکه اختلافات و نگرانی‌های موجود نیز در قالب پیمان امنیت جمعی و یا جامعه کشورهای مشترک‌المنافع CIS قابل حل بود) و در

^۱ برتالنی - لودریک فون - مبانی تکامل و کاربردهای نظریه عمومی سیستمها، ترجمه کیومرث پربانی، تندر، تهران.

مقابل هر چهار کشور اختلافات و نگرانی‌هایی را در مرزهای خود با چین داشتند. به این ترتیب، چین از طریق پیمان شانگهای بیش از هفت هزار کیلومتر مرز مشترک خود با جمهوری‌های شوروی سابق را از هرگونه دل‌مشغولی عمده امنیتی‌رهایی بخشید. با توجه به اینکه بخش اعظم این مرزها را مرزهای مشترک روسیه و چین تشکیل می‌داد، در واقع، با حل و فصل اختلافات مرزی از طریق سازمان شانگهای، در مرحله اول چین و در مرتبه بعد روسیه در فرآیند حرکت سازمان به سمت اهداف اولیه خود به اهداف و منافع خود دست پیدا کردند.

دوم؛ نگرانی از تشدید افراط‌گرایی و تروریسم در منطقه آسیای مرکزی: هر شش عضو اصلی سازمان شانگهای در اشکال و اندازه‌های متفاوت با تهدید افراط‌گرایی مذهبی و پیامد احتمالی آن یعنی جدایی‌طلبی و تروریسم مواجه هستند. این مسئله همان‌طور که گفته شد پس از حادثه یازدهم سپتامبر و گسترش نفوذ عناصر القاعده و طالبان در آسیای مرکزی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا کرد و در چندین اجلاس به موضوع اصلی گفتگوهای اعضای سازمان تبدیل شد، اما نکته حائز اهمیت این است که دیدگاه سازمان شانگهای در مورد افراط‌گرایی و تروریسم با دیدگاه ایالات متحده آمریکا در این مورد دارای تفاوت‌های اساسی است (و به همین دلیل این نگرانی مشترک موجب اتخاذ راهکارهایی مشترک از سوی سازمان و ایالات متحده آمریکا حتی در زمان اوج مبارزه با تروریسم نشده است). در حالی که آمریکا موضوع اسلام‌گرایی را در سطح رویکرد مهمترین تهدید هژمونی لیبرال دموکراسی تلقی می‌کند و در سطح عملکرد از طریق ایجاد پیوند میان تروریسم و جریان اسلام‌گرایی، این موضوع را بهانه‌ای برای تحقق اهداف هژمونیک خود قرار داده است، کشورهای عضو سازمان شانگهای به موضوع تروریسم و یا جریان اسلام‌گرایی افراطی صرفاً از منظر امنیت داخلی نگاه می‌کنند.

سوم؛ نگرانی از کوشش‌های یکجانبه‌گرایانه برای حل و فصل مسائل بین‌المللی: اگر چه اعضای سازمان شانگهای در اغلب اجلاس‌های این سازمان تلاش داشته‌اند که توجه خود را عمدتاً بر مسائل منطقه‌ای متمرکز کنند، اما حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه اجازه نمی‌دهد که این سازمان در اندازه منطقه‌ای باقی بماند. به همین دلیل اظهار نظرهای فرمانطقه‌ای رهبران چین و روسیه در حاشیه اجلاس‌های سازمان اغلب به حساب موضع‌گیری‌های غیر رسمی سازمان گذاشته می‌شود. البته این نکته قابل‌کتمان نیست که سازمان شانگهای خواسته یا ناخواسته به تدریج در حال تبدیل شدن از یک سازمان منطقه‌ای به یک سازمان فرمانطقه‌ای است. بیانیه هشت صفحه‌ای رهبران چین و روسیه پیش از برگزاری اجلاس سازمان در آستانه پایتخت قزاقستان در سال ۲۰۰۵ (که طی آن کوشش‌های یکجانبه‌گرایانه برای مدیریت بحران‌های بین‌المللی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود) و همچنین پذیرش عضویت ناظر ایران، هند و پاکستان و تقاضای خروج نیروهای آمریکایی از آسیای مرکزی، از آغاز احتمالی نقش‌آفرینی بین‌المللی سازمان شانگهای در

آینده خبر می‌دهد. این نقش آفرینی در وهله نخست و در آینده قابل پیش‌بینی مطمئناً ضد آمریکایی نیست هر چند که می‌تواند غیر آمریکایی باشد.^۱

دلایل اهمیت سازمان همکاری شانگهای

حداقل شش دلیل برای پاسخ به این پرسش که چرا باید سازمان همکاری شانگهای را جدی گرفت می‌توان ارائه کرد:

اول: موضوع جهانی شدن باعث شده است که ائتلاف‌ها افزایش یافته و بیش از گذشته اهمیت پیدا کنند. به همین جهت در دهه گذشته بسیاری از ائتلاف‌ها و سازمان‌ها فعال و تقویت شده است و کشورها خواسته‌ها و منافع خود را در چارچوب مجموعه‌ای از کشورهای همسو بیان می‌کنند.

دوم: ظرفیت‌های سازمان همکاری شانگهای و همچنین توانمندی‌های آن با توجه به عضویت دو عضو از پنج عضو دائم شورای امنیت در این سازمان، دارا بودن بیش از یک سوم جمعیت جهان، وسعت قابل توجه و توانمندی‌های اقتصادی نوید یک ائتلاف بالقوه توانمند را می‌دهد و اگر چهار کشور عضو ناظر مغولستان، ایران، پاکستان و هند نیز به جمع اعضاء اضافه گردند، سازمان شانگهای با جمعیتی حدود ۲/۷ میلیارد نفر و وسعت حدود نیمی از کره زمین به موقعیتی مهم‌تر دست خواهد یافت.

سوم: به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران قرن حاضر قرن آسیاست و بسیاری از معادلات قدرت در سطح جهانی در این منطقه تعیین می‌گردد و لذا اهمیت آسیا در آینده نظام بین‌الملل در حال افزایش است و لازم است قدرت‌های آسیایی جایگاه خود را در نظام جدید بین‌الملل تعریف نمایند.

چهارم: این سازمان نمی‌تواند در آینده به عنوان یک سازمان منطقه‌ای بماند زیرا حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه در شرایط متحول جهان کنونی موجب خواهد شد که این سازمان به عنوان یک سازمان فرامنطقه‌ای خود را مطرح نماید. حتی اگر اهداف اولیه رهبران چین و روسیه از تشکیل سازمان همکاری شانگهای منطقه‌ای بوده است، این سازمان هم‌اکنون فرصت مناسبی برای تبادل نظر در مسائل بین‌المللی و نگرانی‌های مشترک جهانی ایجاد کرده است.

پنجم: ظرفیت‌سازی برای گسترش همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای امری ضروری است. در چارچوب چنین نهادهایی است که فرصت گسترش تجارت و سرمایه‌گذاری‌های متقابل و توسعه همکاری‌های صنعتی و اقتصادی افزایش می‌یابد.

^۱ - زاهدی انارکی، مجتبی؛ سازمان همکاری شانگهای از تئوری تا عمل، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، ۱۳۸۵، دوره چهارم، شماره ۵۵،

ششم: با عنایت به وضعیت خاص منطقه‌ای و بین‌المللی، ایران نیازمند آن است که به اشکال و روش‌های گوناگون با مجموعه‌های بزرگتر منطقه‌ای و بین‌المللی همکاری نماید و برخی از خواسته‌ها و منافع خود را در آن چارچوب تعریف نماید.

افزایش تحرکات سازمان همکاری شانگهای سر و صداهایی را در غرب بر می‌انگیزد. به همین دلیل یک پرسش اساسی که به صراحت مطرح می‌گردد، این است که آیا فعالیت سازمان همکاری شانگهای مخالف منافع ناتو می‌باشد؟ آیا مخالفت با منافع ناتو، پدیده شرم‌آوری تلقی می‌گردد؟ حال آن که هر کشور و سازمانی دارای منافع مختص خویش است که مخالفت این منافع با اهداف سایر کشورها و یا سازمانها امری طبیعی محسوب می‌گردد.

شنیدن کلماتی نظیر "کلوپ دیکتاتورها" - "ائتلاف علیه بوش" ترکیبات و اصطلاحاتی می‌باشد که در غرب در قبال سازمان همکاری شانگهای استفاده می‌شود. به نظر می‌رسد که ناتو به "کلوپ کودکان بازیگر" تبدیل شده است. حال آنکه دولتهای عضو ناتو مسئول بمباران اتمی، بمباران یوگسلاوی، حمله به عراق، شکنجه زندانیان و انتقال افراد به زندانهای مخفی می‌باشند، کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای تنها علیه تک قطبی شدن جهان واکنش نشان داده‌اند. تحولات پس از فروپاشی شوروی سابق این نکته را روشن کرده است که جهان تک قطبی خطرناک تر از جهان چند قطبی می‌باشد. همچنین این نکته مهم وجود دارد که نه روسیه و نه چین به تنهایی نمی‌توانند به این زودی قطب دوم جهان را تشکیل دهند. البته امروزه توجه همگان به این نکته معطوف است که آیا روسیه و چین به عنوان دو کشور محوری خواهند توانست سازمان همکاری شانگهای را به قطب دوم جهان تبدیل و جهان را از تک قطبی بودن خارج کنند و آن را مشابه تخته بازی شطرنج کنند که در آن بازی با مشارکت دو طرف انجام گیرد؟ مسأله مهم دیگر این است که آیا سازمان همکاری شانگهای می‌تواند زودتر از اتحادیه اروپا به قطب جدیدی تبدیل شود؟

مجموع کل تولید ناخالص ملی کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بالغ بر ۵,۲ تریلیون دلار می‌باشد. با این اوصاف سازمان همکاری شانگهای می‌تواند در آینده به بزرگترین ساختار ژئوپلیتیکی جهان از نگاه امنیتی تبدیل شود. (البته در این آمار و ارقام توان اقتصادی کشورهای ناظر نیز در نظر گرفته شده است.) اگر تصور کنیم که کلوپ شانگهای با لحاظ کردن هند و پاکستان، قلمرو بزرگ یک اتحاد پهنآوری خواهد شد که شامل بخش روسی دریای بالتیک تا اقیانوس آرام و از اقیانوس منجمد شمالی تا اقیانوس هند می‌باشد، تأثیر آن بر تحولات جهان چگونه خواهد بود؟ یعنی سازمان همکاری شانگهای با ۲,۵ میلیارد جمعیت، در اختیار داشتن ۴۵٪ بازار جهانی و چهار کشور دارنده سلاح اتمی خواهد شد.

البته این واقعیت پس از گسترش شانگهای امکان پذیر می‌گردد که در اصل این همکاری نمی‌تواند جای سؤال وجود داشته باشد. اما این کار سهل و آسان نخواهد بود. اگر به تاریخ شکل‌گیری منطقه اوراسیای فعلی مروری داشته باشیم، می‌بینیم که حتی در ایجاد اروپای نوین چه بهایی پرداخت شده است. حرکت

اتحاد شوروی سابق به سوی اروپای شرقی در سال ۱۹۴۵ که به تشکیل ناتو منجر شد و در سال ۱۹۵۶ تجاوز فرانسه، انگلیس، آمریکا و اسرائیل علیه مصر که با ضرب الاجل جدی اتحاد شوروی سابق مواجه گردید و آمریکا با متحدین خویش چاره ای جز عقب نشینی از مصر نداشتند، بار دیگر اثبات کرد که دوران ابرقدرتی آمریکا، فرانسه، انگلیس به پایان رسیده است، درک این واقعیت و پیامد های آن کشورهای اروپایی را وادار به تشکیل بازار مشترک در سال ۱۹۵۱ در نشست رم کرد. از سوی دیگر همکاری اقتصادی را باید جدای از همکاری نظامی و ائتلاف بررسی نمود. از این رو ناتو سازمانی است که تنها بر اساس همکاری نظامی فعالیت می کند اما سازمان همکاری شانگهای مبتنی بر همگرایی سیاسی و اقتصادی می باشد.

شرط اصلی برای معین نمودن میزان هدفمندی هر ساختار یا اتحاد نظامی حداقل توانمندی آن در قبال دشمن فرضی این ائتلاف به حساب می آید. یعنی مقایسه توان رزمی هر پیمان در برابر سازمان مخالف شرط عمده توانمندی آن محسوب می شود. اما در مورد حداکثر هدفمندی هر ساختار نظامی و سیاسی باید یگانگی و مشترکات داخلی کشورهای عضو نیز در نظر گرفته شود. از این نگاه اتحادیه اروپا یک شکل کاملاً مسیحی با تمدن اروپایی می باشد و سازمان همکاری شانگهای شامل کشورهایی است که نماینده ۵ تمدن جهانی محسوب می شود.

فعالیت اساسی اقتصادی روسیه و چین در محور کاملاً مخالف قلمرو اوراسیا متمرکز شده است که شامل مناطق شمال غرب و جنوب شرق می باشد. در این قلمرو منطقه آسیای مرکزی واقع گردیده است که شامل قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان می باشد. منطقه آسیای مرکزی از نگاه جمعیت و میزان تولید ناخالص از ایران و ترکیه پایین تر قرار دارد و توان تولیدی آنان نیز کمتر است. از این نگاه شانگهای ضعیف ترین حلقه به حساب می آید که هیچ یک از ۵ کشور یاد شده توان رقابت با روسیه و چین را ندارند. بعلاوه، نه تمامی سازمانها و پیمان های منطقه فعالیت مؤثر دارند و نه نتایج همکاری این نهادها مطلوب می باشد. برخی از این سازمانها کار یکدیگر را تکرار می کنند. اتحادیه اقتصادی اوراسیا، پیمان امنیت جمعی و جامعه همسود، برخی از این پیمان ها هستند.

همه کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای در اتحادیه اقتصادی اوراسیا و پیمان امنیت جمعی عضویت ندارند. علاوه بر این جمهوری ها، ارمنستان نیز عضو پیمان امنیت جمعی می باشد. جمهوری بلاروس می تواند عضو کامل حقوقی این سازمانها شود و این امر مشروط به ایجاد اتحاد میان روسیه و بلاروس می باشد که در صورت تحقق چنین سازش نامه ای میان مسکو و مینسک، بلاروس به طور خودکار عضو همگی این سازمانها و پیمانها خواهد شد. به همین ترتیب همه کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی آسیای مرکزی، اتحادیه اوراسیا در آینده عضو سازمان همکاری شانگهای خواهند شد و می توان به این نتیجه رسید.

البته وجود شبکه راه آهن سراسری در منطقه می توانست "میزان هدر رفتن نیرو" را کاهش دهد و با تقویت جایگاه سازمان شانگهای به تأمین بهتر امنیت منطقه کمک نماید. لذا وجود راههای مهم انتقال نیروی نظامی در صورت اقتضاء شرایط، آن را آسان می ساخت. در شرایط فعلی ضرورت دارد که روسیه نیز به طرح "راه بزرگ ابریشم" بپیوندد زیرا روسیه می تواند به دلیل برخورداری از امکانات فنی بالا و کادرهای مجرب در ساخت راه آهن سراسری در قلمرو کشورهای شامل طرح راه ابریشم سهیم باشد. مسکو همچنین از توانایی ساخت تونل ها در شرایط سخت کوهستانی برخوردار است و با استفاده از این توانایی در ساخت و اتصال شبکه های راه آهن و جاده، می تواند نقش مؤثر ایفا نماید. در هر صورت راه اندازی دالانهای حمل و نقل در منطقه برای تقویت جایگاه ژئوپلیتیکی سازمان همکاری شانگهای به بهبود استفاده از توان امنیتی کشورها کمک خواهد کرد. از دیدگاه ژئواکونومیکی نیز اتصال راههای زمینی میان کشورهای عضو امکان ارتباط دو بازار اصلی (چین و آسیای مرکزی) را فراهم می سازد و زمینه ساز رشد زیر ساخت های مورد نیاز کشورهای منطقه خواهد شد که باید قبل از فعال شدن طرح های اقتصادی مشترک به بهره برداری برسد. برخی از کارشناسان چینی و روسی که دیدگاه های بدبینانه ای نسبت به گسترش سازمان شانگهای دارند، دلایل و توجیحات خاص خود را برای مخالفت با گسترش تعداد اعضاء سازمان از جمله عضویت ایران در این سازمان بیان می کنند که همین عوامل نیز تاکنون موجب عدم پذیرش عضویت دائم ایران، پاکستان و هند در سازمان شانگهای شده است.

این گروه از کارشناسان بر این باورند که ترکیب فعلی اعضاء سازمان همکاری شانگهای برای تقویت همگرایی نظامی میان کشورهای عضو کافی است. اما در این مورد نوعی بی اعتمادی به نظر می رسد. شکل فعلی این سازمان نیز برای همگرایی اقتصادی مناسب نیست، زیرا مسائل مهمی نظیر همکاری اقتصادی فعال در منطقه را با مشکل مواجه کرده است. حال آنکه هسته اصلی این نوع همکاری و همگرایی در زمینه اقتصادی، آسیای مرکزی و CYAP باشد. زیرا برخی از کارشناسان منطقه معتقدند که انگیزه عضویت کشورهای ناظر (مغولستان، هند، پاکستان و ایران) در سازمان همکاری شانگهای چندان روشن نیست. شاید تلاش این کشورهای برای عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای متأثر از روند جهانی شدن باشد که مقدمه آن همگرایی منطقه ای به حساب می آید. اگر در این میان مغولستان راه دیگری نداشته باشد، هند و پاکستان می توانند در فعالتر شدن سازمان SARC (سارک) نقش مؤثر ایفا نمایند. همچنین پاکستان و ایران می توانند در بهبود فعالیت سازمان همکاری های اقتصادی اِکو سهیم شوند. اما سازمان همکاری شانگهای در این روند نیز از امکان کمک به فعالیت مطلوب تر این سازمانها برخوردار است و در شکل و نوع همکاری، دو سازمان فوق می توانند از سازمان همکاری شانگهای الگو بگیرند. اما برخی از کارشناسان بر این باورند که عضویت هند، پاکستان و ایران در سازمان همکاری شانگهای منافع قابل توجهی برای سازمان و کشورهای یاد شده خواهد داشت. به این دلیل که اگر هند و پاکستان منافع ناشی از عضویت خود در این

پیمان منطقه ای را در نظر بگیرند، با جدیت و سرعت بیشتری بدنبال راه حل مناسبی برای حل بحران کشمیر خواهند رفت.

اما در مورد ایران اگر چه جنجال رسانه ای در باره پرونده اتمی آن هنوز فروکش نکرده است، اما ظرفیت های طبیعی، سیاسی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی ایران، به گونه ای است که هر سازمان منطقه ای و بین المللی را به وسوسه می اندازد و علی رغم چالش های جدی موجود بین ایران و ابرقدرت جهان، آمریکا، اعضای سازمان شانگهای را بر آن داشته تا از عضویت ناظر ایران در این سازمان استقبال نموده و تبدیل عضویت ناظر ایران به عضویت دائم را نیز در دست بررسی قرار دهند.

به هر حال برای رشد همکاری با کشورهای منطقه اوراسیا باید مسائل فرامرزی و اختلافات مرزی داخلی میان این جمهوریه‌ها حل و فصل گردد. به این منظور می باید تدابیر بیشتر اعتماد سازی میان کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای بر پایه قراردادهای سال ۱۹۹۶ (شانگهای) و سال ۱۹۹۷ (مسکو) اتخاذ گردد. برای رسیدن به این هدف می باید مسائل تحکیم امنیت در مرزهای داخلی به طور جدی مورد بررسی قرار گیرد و زمینه برقراری ثبات و امنیت کامل در مرزهای مشترک فراهم شود، زیرا اکنون براساس سازش نامه های شانگهای و مسکو مرزهای داخلی کشورهای آسیای مرکزی خطر پذیرتر شده است و تمامی توجه به تحکیم مرزهای خارجی معطوف گردیده است. این عامل زمینه ساز افزایش تحرکات گروههای تجزیه طلب می باشد.

اهمیت موضوع

سازمان همکاری شانگهای از آغاز شکل گیری تاکنون اهداف خود را به صورت پلکانی تعریف و دنبال کرده است و در هر مرحله متناسب با اهداف جدید، پذیرش اعضای جدید را در دستور کار خود قرار داده است. این سازمان در آغاز با هدف اعتمادسازی در مرزهای مشترک میان روسیه، چین و سه کشور آسیای مرکزی ایجاد شد و در مرحله بعد با مطرح شدن موضوع تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی، مبارزه با این موضوع در دستور کار نخست سازمان قرار گرفت و همزمان با آن ازبکستان که بیش از سایر کشورهای آسیای مرکزی در معرض رشد جریان‌های افراطی قرار داشت، به عضویت سازمان پذیرفته شد. در مرحله کنونی با توجه به اینکه چهار کشور مغولستان، ایران، هند و پاکستان به عنوان اعضاء ناظر می‌باشند، اهداف سازمان که از جنبه جغرافیایی در گذشته عمدتاً بر مسائل آسیای مرکزی متمرکز بود یک مرحله دیگر گسترش داده و ایجاد یک منطقه بدون تنش و احتمالاً بدون حضور نظامی آمریکا، در میانه شرق پیشرفته و غرب پر تنش آسیا را دنبال می‌کند. در شرایط فعلی به نظر می‌رسد که سخن گفتن از ارتقای سازمان به یک سازمان سیاسی امنیتی در سطح جهانی و یا یک سازمان کاملاً اقتصادی با توجه به عضویت هند و پاکستان در این سازمان و همچنین

نابرابری‌های اقتصادی موجود در آن عجولانه باشد، ضمن آنکه در صورت چنین ارتقایی به احتمال زیاد جهت‌گیری‌های سازمان بر مدار منافع چین - در وهله نخست - و روسیه - در وهله بعد - خواهد چرخید. با نگاه کلی به سازمان شانگهای، آنچه برای ایران بیش از هر چیز اهمیت می‌یابد، استفاده از این سازمان در جهت ایجاد و تحکیم ثبات در محیط امنیتی خویش است، زیرا محیط امنیتی ایران، همپوشی‌های بسیاری با محیط امنیتی سایر اعضای آن دارد.

اهمیت این موضوع هنگامی روشن‌تر می‌گردد که توجه داشته باشیم که اولاً بر مبنای سند چشم‌انداز به عنوان استراتژی کلان کشور، ایران باید در بیست سال آینده به جایگاه اول علمی، اقتصادی و فن‌آوری در منطقه جنوب غرب آسیا نائل آید و ثانیاً در وضعیت موجود، محیط امنیتی ایران به شدت مغشوش و ناپایدار است، زیرا این محیط از یک سو به خاورمیانه و عراق و از دیگر سو به افغانستان، پاکستان و آسیای مرکزی اتصال می‌یابد که بی‌تردید یکی از بی‌ثبات‌ترین و خطرناک‌ترین مناطق جهان به شمار می‌آیند. نیل به توسعه سریع و کسب شاخص‌های سند چشم‌انداز در چنین محیط امنیتی‌ای بسیار دشوار می‌باشد و از این رهگذر است که اهمیت ثبات و نهادسازی برای ایجاد ثبات روشن می‌گردد.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که اولاً خروج از ذهنیت جنگ سرد شرط لازم فهم و تعریف صحیح سازمان همکاری شانگهای است و ثانیاً نگاه به آن از زاویه نهادی سیاسی در جهت مدیریت بهتر منافع و حل منازعات، پایه‌های محکمی در واقعیت دارد. ضمن اینکه زمینه‌های بالقوه اقتصادی وجود دارد که می‌تواند برای همه کشورها فرصت فراهم نماید. با تکیه بر این دو مؤلفه می‌توان این سازمان را به عنوان ابزاری ثبات‌زا در محیط امنیتی ایران در نظر گرفت و از آن در جهت ایجاد ثبات در محیط امنیتی ایران و بسترسازی برای نیل به اهداف سند چشم‌انداز بهره‌گرفت.

سؤال اصلی:

سیاست خارجی چین و روسیه چه تأثیری در پیشبرد اهداف سازمان همکاری شانگهای دارد؟

سوالات فرعی:

تأثیر قدرتهای فرامنطقه‌ای در شکلگیری اهداف راهبردی چین و روسیه چگونه است؟

فرضیه:

سیاست خارجی روسیه و چین و وابستگی به غرب از موانع عمده پیش روی سازمان همکاری شانگهای جهت تبدیل شدن به یک قطب تأثیرگذار در عرصه روابط بین‌الملل می‌باشد.

بخش دوم
مطالعات نظری

نظریات همگرایی منطقه ای

تعاریف و برداشت های مختلفی از نظریه همگرایی^۱ وجود دارد که در ذیل به آن اشاره می شود. دولت ها تحت تأثیر انگیزه ها ، نیروها ، اهداف و منافع ، در حالت همکاری ، رقابت و تعارض با یکدیگر قرار می گیرند . نظریه همگرایی عمدتاً در نیمه دوم قرن بیستم مطرح شد و زمینه های مناسبی را برای آزمون پیدا کرد که عمده ترین آنها در اتحادیه اروپا متبلور می شود ؛ بنابراین لازم می آید فرآیندی که منجر به همگرایی دولت های اروپایی در ذیل یک پرچم (اتحادیه اروپا) گردید بررسی شود . در این دیدگاه منظور یک فرآیندی است که در راستای همکاری میان دولت ها و تفویض وفاداری ها به سطحی بالاتر از سطح ملی و نهایتاً انتقال تدریجی اقتدار به نهادهای فوق ملی می باشد .

باید توجه داشت که اگر همگرایی به عنوان (وضعیت) مطرح گردد نظریات کانتوری^۲، اشپیگل^۳ و اتزیونی^۴ را هم باید در نظر گرفت ؛ اما اگر منظور از همگرایی «فرآیند» است ، باید نظریات تئوریسین های کارکرد گرا و نئو کارکرد گرا را بررسی کرد . اما نباید فراموش کرد که «همگرایی باید داوطلبانه و حالت توافقی داشته باشد.» یعنی به عبارتی رویکردی سیاسی - نهادی به وضعیت موجود دارند و طرفداران این برداشت معتقدند هیچ امری را نمی توان به دولت ها تحمیل کرد مگر آنکه خود آنها پذیرای محدودیت حاکمیت خود باشند در جهان متشکل از بازیگرانی که با یکدیگر روابطی غالباً خصومت آمیز و رقابتی دارند شکل گیری واحدی سیاسی به عنوان بازیگر مستقل بنام اتحادیه اروپا در واقع نقطه ی عطفی در روابط بین الملل محسوب می شود .

کانتوری و اشپیگل معتقدند که نظام های تابعه منطقه ای متشکل از دو یا چند کشور همجوار تعامل گر با یکدیگرند که دارای پیوندهای قومی و زبانی ، فرهنگی اجتماعی و تاریخی با هم می باشند که این همانندی با اقدامات سایر کشورها تشدید می گردد.

امیتای اتزیونی نیز همگرایی را یک وضعیت می داند و معتقد است که برخورداری یک جامعه سیاسی از کنترل مؤثر بر وسایل اعمال خشونت یکی از معیارهای سنجش میزان همگرایی است ، چنین جامعه ای دارای یک مرکز تصمیم گیری است که به تخصیص منابع و پاداش ها پرداخته و برای اکثریت وسیع شهروندان دارای آگاهی سیاسی ، کانون اصلی هویت سیاسی را تشکیل می دهد . وی هدف سیاسی را فرآیندی می داند که طی آن همگرایی سیاسی به عنوان یک وضعیت تحقق می یابد . در همین نقطه است که اتزیونی همچون هاس همگرایی را به حالتی از همبستگی بین کشورها نسبت می دهند در حالی که کانتوری

¹ Integration theory

² cantori

³ eshpigel

⁴ etzioni